



An Insightful Approaches in a Purification-Centric Educational System*

Seyyed Mohammad Ali Mousavi¹ and Seyyed Mohammad Reza Mousavi-Nasab Kermani²

and Seyyed Isa Mostarhami³



Abstract

The fundamental objective of any educational system within a society is to catalyze essential changes that guide learners towards their intended goals. This research aims to uncover the most effective educational strategies as interpreted through the lens of the Holy Quran, with the intention of establishing a divinely-guided educational framework within the Islamic community. An examination of the verses related to the mission of the Prophet Mohammad (PBUH) indicates that, among the elements of recitation, purification (Tazkiyah), and the impartation of scripture and wisdom, purification is highlighted as the primary aim. This finding suggests that in Islamic education, purification should take precedence over mere instructional methods. Employing an analytical-descriptive approach, this study explores the educational strategies centered on purification, identifying several methods derived from the Quranic text: exploration of the cosmos, self-awareness or inner exploration (the journey towards experiential knowledge), enhancement of insight and consciousness, contemplative practices (including reflection, reasoning, and meditation), cultivation of wisdom, and the pursuit of divine knowledge, which present alternatives to traditional educational practices. It is important to note that while the purification-centric educational methods identified from the Quran encompass three areas - insightful, attitudinal, and behavioral - this article will concentrate exclusively on the insightful methods due to the limitations of the research.

Keywords: Quran, Insightful Methods, Education, Purification, Purification-Centric Education.

*. **Date of Receiving:** 2 - 11 - 2022, **Date of Approving:** 17 - 10 - 2023.

1. Doctoral student in the field of Qur'an and Educational Sciences of the Higher Complex of Qur'an and Hadith, Jamaat Al-Mustafi S. Al-Alamiya, Qom, Iran (corresponding author): smam7272@gmail.com.

2. Assistant professor of ethics department and faculty member of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran: smrmn1346@gmail.com.

3. Ph.D., Director of the Quran and Natural Sciences Department/ Quran and Hadith Educational Complex/ Al-Mustafa International University: dr.mostarhami@chmail.ir.



روش‌های تربیتی در نظام تزکیه محور*

سید محمد علی موسوی^۱ و سید محمدرضا موسوی نسب^۲ و سید عیسی مسترحمی^۳



چکیده

رسالت اصلی نظام تربیتی در هر جامعه، ایجاد تغییرات بنیادین برای رساندن متریان به اهداف مطلوب است. این تحقیق در پی یافتن روش‌های مطلوب تربیتی از دیدگاه قرآن کریم به منظور نهاده‌کردن تربیت و حیانی در جامعه اسلامی است. با تحلیل آیات مربوط به هدف بعثت پیامبر اکرم ﷺ روشن می‌شود که از میان تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت، تزکیه مهم‌ترین هدف برشمرده شده است. این مطلب ما را به این نکته رهنمون می‌کند که در تعلیم و تربیت اسلامی به جای اولویت آموزش، تزکیه در اولویت قرار گیرد. در این پژوهش با روش تحلیلی - استنتاجی به بررسی روش‌های بینشی تعلیم و تربیت تزکیه‌محور پرداخته شده است و با توجه به آیات قرآن کریم روش‌های بینشی ذیل به دست آمده و مورد تأکید قرار می‌گیرد: سیر آفاقی، معرفت نفس یا سیر انفسی (راه رسیدن به معرفت شهودی)، بصیرت‌افزایی و بینش‌بخشی، اندیشه‌ورزی (تفکر، تعقل، تدبر)، حکمت‌افزایی و دریافت علوم الهی، جایگزین روش‌های متداول آموزشی می‌گردد. قابل ذکر است که روش‌های مستخرج از قرآن کریم در تعلیم و تربیت تزکیه‌محور، سه حوزه روش‌های بینشی، گرایش و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما به علت محدودیت تحقیق فقط به ذکر روش‌های بینشی در این مقاله بسنده شد.

واژگان کلیدی: قرآن، روش‌های بینشی، تربیت، تزکیه و تربیت تزکیه‌محور.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری رشته قرآن و علوم تربیتی مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعة المصطفی ص العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول): smam7272@gmail.com

۲. استادیار گروه اخلاق و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران: smrmn1346@gmail.com

۳. استادیار گروه قرآن و علوم طبیعی، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمیه قم، ایران: dr.mostarhami@chmail.ir



مقدمه

فعالیت نظام آموزش معاصر، عمدتاً بر ارائه کمی و کیفی آموزش برای حل مسائل دنیوی استوار است. کم‌توجهی به جنبه‌های معنوی منجر به کمرنگ‌شدن حضور دین در حوزه تربیت شده است. بررسی مجموعه آیات تربیتی بیانگر محوریت تزکیه در تعالیم الهی است؛ زیرا انسان به وسیله تزکیه از بندگی نفس، شیطان و طاغوت‌ها خارج شده و به هدف خلقت می‌رسد که رسیدن به عبودیت و رستگاری است (شمس/۹؛ اعلی: ۱۴). از منظر قرآن تزکیه، هدف آموزه‌های پیامبران است؛ از این‌رو باید ظهور خود را در زندگی به ویژه در تحصیل علم، اعتقادات و اخلاق نشان دهد؛ بلکه علاوه بر اخلاق، اعتقادات و احکام عملی نیز باید براساس تزکیه در نظام آموزشی نهادینه شود. برای این منظور، ضروری است به نقش اساسی تزکیه توجه شود. هدف این تحقیق، بیان روش‌های بینشی تزکیه از منظر قرآن است؛ تا نظام آموزشی متحول و تزکیه در آن نهادینه شود.

موضوع «تزکیه» در تفاسیر ذیل آیات تزکیه مطرح گردیده است. همچنین «تزکیه» در کتب اخلاقی به‌طور ویژه مباحثی پیرامون آن مطرح گردیده است. اما درباره‌ی موضوع این نوشتار، تحقیق مستقل و کاملی یافت نشد. چندین کتاب به بخشی از موضوعاتی پرداخته‌اند که به زیرمجموعه این مقاله مربوط می‌شوند. در کتاب مجموعه مقالات «اولین همایش تحلیل و تنظیم نظام علوم تربیتی»، مقالاتی درباره مشکلات نظام تربیتی، از جمله بی‌توجهی به تزکیه در نظام آموزشی، پرداخته است. کتاب «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی» خسرو باقری در مبنای نهم، اندیشه‌ورزی و روش‌های تربیتی، روش تزکیه و روش تعلیم حکمت را مطرح کرده، اصول و مبانی و روش‌های مختلفی را بیان نموده و تزکیه را زیرمجموعه تعقل و به‌عنوان یک روش بحث کرده است. البته تعلیم و تربیت تزکیه‌محورانه در این کتاب مطرح نشده است. در کتاب «تربیت کودک در جهان امروز»، اثر احمد بهشتی به بحث تزکیه و تعلیم پرداخته شده است. ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که برای تعلیم و تربیت در اسلام با توجه به آیات قرآن کریم بهتر است واژه تزکیه و تعلیم استعمال شود. البته از تزکیه‌محوری تعلیم و تربیت سخنی گفته نشده؛ اما استدلال‌شان به این منطق بسیار نزدیک است؛ بنابراین، تاکنون به اثری که دلالت‌های تربیتی تعلیم و تربیت تزکیه‌محور را به‌صورت جامع، کامل و مستوفی طرح و به‌طور تخصصی بررسی کند، دست نیافتیم. چندین کتاب درباره تعلیم و تربیت اسلامی نوشته شده است؛ مانند «تعلیم و تربیت اسلامی»، تألیف دکتر علی شریعتمداری و «تعلیم و تربیت در اسلام»، اثر استاد شهید مرتضی مطهری، «نظریه اسلامی تعلیم و تربیت»، از دکتر جمیله علم الهدی و... با اینکه بحث‌هایی درباره تقوا و... ارائه کرده‌اند؛ اما مباحث آنها با نگاه تزکیه‌محورانه طرح نشده است. روش‌ها از مهم‌ترین

مؤلفه‌های تعلیم و تربیت هستند که نقش بسزایی در فرایند تربیت دارد. روش به معنای، راه، شیوه، اسلوب، سبک، سنت و منوال است (دهخدا، لغت‌نامه: ۱۳۷۳ ش، ۸/۱۰۹۰۴). روش، ناظر به پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی است. در علوم نظری، به راهی که برای کشف حقیقت به کار می‌رود، روش گفته می‌شود و در علوم عملی مانند اخلاق، سیاست و تربیت به راهی که برای رسیدن به هدفی عملی اتخاذ می‌شود. روش‌های تربیتی، قواعدی هستند که برای ایجاد تغییر مطلوب از سوی مربی و یا متریبی برای رسیدن به اهداف استفاده می‌شود (مصباح، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۴۵). مدعای این نوشتار این است که قرآن کریم فرایند تربیت را تزکیه‌محور می‌داند. به نظر می‌رسد که این نگاه تربیتی با آنچه امروزه در نظام آموزش و پرورش دنیا متداول است؛ یعنی تربیت و پرورش آموزش‌محور تفاوت فراوانی دارد. منظور از تعلیم و تربیت تزکیه‌محور این است که دلالت‌های نظام تربیتی در حوزه‌های مختلف (مبانی، اهداف، اصول، محتوا، روش‌ها و ویژگی‌های مربی و متریبی) باید براساس تزکیه، برنامه‌ریزی و عملی گردد. تزکیه را می‌توان از یک سو به عنوان هدف میانی برای تعلیم معرفی کرد و از سوی دیگر به عنوان یک اصل تربیتی نگریست که براساس آن، روش‌های مختلفی به دست می‌آید. اصلاح نیت، انجام واجبات، ترک محرمات، معرفت نفس، یاد نعمت‌های خداوند و شکرگزاری برخی از این روش‌ها هستند.

روش‌ها را می‌توان به سه قسمت عمده، بینشی - علمی؛ گرایشی - انگیزشی و کنشی - رفتاری، تقسیم کرد. این روش‌ها از درهم‌تنیدگی برخوردارند و تفکیک صفر تا صد آن‌ها از هم ناممکن است. درعین حال در این پژوهش تلاش شده به روش‌هایی که جنبه بینشی دارد، بیشتر تأکید شود.

۱. مفهوم شناسی

الف. تعلیم

تعلیم از ماده «ع ل م» گرفته شده و به معنای آگاهی و دانستن است و هنگامی که به باب تفعیل می‌رود حکایت از انتقال تدریجی علوم توسط معلّم به متعلّم دارد.

ب. تربیت

تربیت از ماده (ر ب و) به معنای تغذیه، زیادت و رشد است و از باب تفعیل به معنای، افزودن، پرورش دادن و فراهم کردن بستر رشد هر چیز است. استعمال «ربو» و «رَبَا» برای زمین و مال و هر چیز دیگر، زمانی است که زیاد شود (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹ق: ۲۸۳/۸). «ربی» یک معنای اصلی دارد و آن زیاد شدن و رشد کردن و بالآ آمدن است (ابن فارس، لسان العرب، ۱۴۰۴ق: ۲/۴۸۳). برای



تربیت در اصطلاح، تعریف‌های متعددی شده است که با توجه به دیدگاه‌های هر مکتب متفاوت است. «تربیت فراهم آوردن موجبات رشد و شکوفایی تمامی استعداد‌های انسان برای رسیدن به کمال و سعادت مطلوب است.» (بهشتی، مبانی تربیت در قرآن، ۱۳۸۷: ۳۶). امروزه واژه تربیت دامنه بسیار گسترده‌ای دارد و به‌طور فراگیری نسبت به ابعاد مختلف آدمی است؛ اما در متون اسلامی چنین گستره‌ای برای آن یافت نمی‌شود و تنها یکی از مفاهیمی است که باید جایگاه آن را در رابطه اندراج مفهومی مشخص کرد. واژه‌های عمده‌ای که در متون اسلامی در مفهوم متداول «تربیت» به‌کاررفته عبارت‌اند از: تعلیم، تطهیر، تزکیه، تأدیب و ربوبی شدن» (باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۸۷ ش: ۱۰۰). به نظر می‌رسد آنچه ایشان درباره مفهوم تربیت و اندراج مفهومی بیان کرده، معادل آن در قرآن کریم کلمه «هدایت» استعمال شده است.

ج. تزکیه

تزکیه از ماده (زکو) است. بسیاری از لغت‌دانان معنای اصلی آن را پاک‌سازی و رشد دانسته‌اند (موسوی، دلالت‌های نظام تعلیم و تربیت تزکیه‌محور، ۱۳۹۸: ۲۰). «زکات» به معنای تطهیر مال و زکات زرع، به معنای زیادشدن و رشد کردن است (فراهیدی، العین، ج ۵/ ۳۹۴). برخی آن را از ریشه «زکی» و معنای آن را رشد و فزونی می‌دانند (ابن فارس، لسان العرب، ۱۴۰۴ ق: ۱۷/۳). برخی معنای اصلی زکات را رشد و نمو حاصل از برکت الهی می‌دانند که شامل امور دنیوی و اخروی می‌شود: زکی، پاک شدن از گناهان با عمل صالح و زکوه طهارت و پاکی است که در زکات مال به کار می‌رود (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۲۵ ق: ۳۸۰). برخی برای دلالت «تزکیه» به معنای رشد به حدیث امام علی علیه السلام استناد می‌کند: «المال تنقصه التفقه والعلم یزکو علی الانفاق» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۳۵۸/۱۴).

تزکیه در اصطلاح عبارت از پاک کردن و پیراستن نفس از رذایل و آراستن آن به فضائل است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ ش: ۴۹۷/۷). در قرآن کریم برای طهارت روحی و رشد معنوی واژه تزکیه استعمال شده است. تزکیه در اصطلاح، تطهیر و پاک‌سازی نفس از آلودگی‌ها و صفات ناپسند و رشد دادن آن در راستای سعادت و کمال شایسته است (بهشتی، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۷: ۴۰). از آنجاکه علم برای تزکیه، جنبه مقدّمی دارد و در متون دینی همواره تأکید بر تحصیل علم توأم با تزکیه است و علم بدون تزکیه را غیرمفید، بلکه خطرناک می‌شمرد پس تزکیه‌محور تعلیم و تربیت در دین مبین اسلام است که نسبت به تعلیم جنبه هدف دارد.

۲. اهمیت تزکیه

قرآن برای تزکیه، اهمیت فراوانی قائل شده است که این اهتمام را از موارد ذیل می‌توان استفاده کرد:

الف. هدف بعثت انبیا

قرآن، عمده‌ترین اهداف انبیا^{علیهم‌السلام} را تزکیه نفس دانسته است، از جمله در سورة بقره، خطاب به مسلمانان می‌گوید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ» (بقره، ۱۵۱)؛ «ما به‌سوی شما پیامبری فرستادیم تا با تلاوت آیات الهی شما را از آلودگی‌ها پاک سازد.» (ر.ک: آل‌عمران/۱۶۴؛ بقره/۱۲۹؛ جمعه/۲؛ نازعات/۱۷-۱۸).

ب. رستگاری در گرو تزکیه

رسیدن به رستگاری در دنیا و آخرت، از بالاترین اهداف مؤمنان است که قرآن راه دستیابی به آن را مبارزه با هواهای نفسانی و تزکیه ذکر کرده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس/۹)؛ همچنین قرآن مؤمنانی را رستگار دانسته است که در جهت تزکیه نفس می‌کوشند: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» (مؤمنون/۱-۴). طبق نظر برخی از مفسران زکات در این آیه اعم از پرداخت زکات و تزکیه نفس است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ق: ۱۷۶/۳؛ صادقی‌تهرانی، الفرقان، ۱۴۳۲ق ۲۰/۲۰).

ج. تقدم تزکیه بر تعلیم

در چهار آیه، تزکیه همراه تعلیم آورده شده است که در سه جای آن، تزکیه مقدم بر تعلیم است: «وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره/۱۵۱؛ آل‌عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲) و در یک آیه تعلیم مقدم شده است: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيكُمْ» (بقره/۱۲۹). در اینکه فلسفه این تقدیم و تأخیر چیست و کدام یک در واقع بر دیگری تقدم دارد، اقوال متعددی در بین مفسران مطرح است؛ ولی آنچه از همه قوی‌تر به نظر می‌رسد این است که تعلیم هرچند از جهت وجود خارجی بر تزکیه مقدم است؛ اما از جهت اهمیت و رتبه از آن متأخر است، زیرا تعلیم و تعلم مقدمه‌ای برای رسیدن به تزکیه است (صادقی، الفرقان: ۱۴۳۲ق: ۱۶۱/۱) و تقدم تزکیه در سه آیه از چهار آیه مؤید همین امر است.

د. سوگندهای متعدد بر رستگاری اهل تزکیه

خداوند سوگندهای متعدد یاد کرده است که تزکیه کننده نفس رستگار خواهد شد: «وَالشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا* وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا* وَ النَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا* وَ اللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا* وَ السَّمَاءُ وَ مَا بَنَاهَا* وَ الْأَرْضُ وَ مَا



طحاها* وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا ... قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا* (شمس/ ۱-۹). سوگندهای یادشده نشان آن است که مسئله اصلی بشر تزکیه نفس است که در صورت وجود آن انسان اهل سعادت و گر نه اهل شقاوت خواهد بود (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۴۷/۲۷-۴۸). «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/ ۷-۹) «و آن کس که آن را آلوده سازد مأیوس و ناامید گشته است!» این تأکیدهای بی نظیر دلیل روشنی است بر اهمیتی که قرآن مجید برای پرورش اخلاق و تزکیه نفوس قائل است و گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند و فلاح و رستگاری و نجات را در آن می‌شمرد» (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱۳۷۷: ۲۰/۱).

هـ. ناکارآمدی علم بی تزکیه

در آیات فراوانی به این نکته مهم رهنمون می‌سازد که علم بدون تزکیه نه تنها مشکل جامعه را حل نمی‌کند؛ بلکه باعث مشکلات فراوانی برای فرد و اجتماع می‌شود؛ مثلاً قرآن کریم نسبت به علمای یهود که اهل تلاوت کتب آسمانی بودند؛ اما خلاف دستور آن عمل می‌کردند تعبیر بسیار تندی دارد: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه/ ۵). منظور از «آیه» یهودیانی است که خدا تورات را بر پیامبرشان موسی (علیه السلام) نازل کرد و او معارف و شرایع آن را تعلیم‌شان داد، ولی به دستورات آن عمل ننمودند، لذا خدای تعالی آن‌ها را به الاغی تشبیه کرد که کتاب‌هایی بر آن بار شده و آن حیوان هیچ آگاهی از حقائق آن کتاب‌ها ندارد و در نتیجه از حمل آن کتاب‌ها چیزی به جز خستگی برایش نمی‌ماند» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۹/۲۶۶).

«وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (نمل/ ۱۴) (فرعون و اطرافیان) «با این که دل‌هایشان به معجزات ما یقین داشت، آن‌ها را به ستم و از سر تکبر انکار کردند. پس بنگر فرجام فسادگران چگونه شد». این آیه، بیانگر این است که یقین به تنهایی کافی نیست؛ بلکه برای قبول حق لازم است نفس اماره به وسیله تزکیه مهار شود. در آیه دیگر می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (جاثیه/ ۲۳). از این آیه روشن می‌شود که علم و هدایت لازم و ملزوم نیستند و چه بسا عالمانی که گمراه شدند، در حالی که علمشان به حال آن‌ها سودی نداشت. فرمود: «وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ» (جاثیه/ ۲۳). گمراه کردن این شخص از جانب خدای تعالی از باب مجازات بوده؛ زیرا او هوای نفسش را پیروی کرده و در حالی که می‌دانست که بیراهه می‌رود خدا گمراهش کرد؛ زیرا هر علمی ملازم هدایت نیست؛ بلکه آن علمی ملازم با هدایت است که توأم با التزام عملی باشد (همان: ۱۸/۱۷۳).

۳. روش‌های تربیتی در نظام تعلیم و تربیت تزکیه‌محور

روش‌ها را می‌توان به سه قسمت عمده، بینشی - علمی، گرایشی - انگیزشی و کنشی - رفتاری تقسیم کرد؛ این روش‌ها از درهم‌تنیدگی برخوردارند و تفکیک صفر تا صد آن‌ها از هم ناممکن است، درعین حال در این پژوهش تلاش خواهد شد به روش‌هایی که بیشتر جنبه بینشی دارد، توجه شود.

۴. روش‌های بینشی

منظور از روش‌های بینشی، روش‌هایی است که باعث ایجاد شناخت و بصیرت شده و ما را به تزکیه رهنمون شود. این روش‌ها از شرایط اصلی تعلیم و تربیت محسوب به شمار می‌آید. قرآن کریم که برای هدایت و اصلاح بشر نازل شده است، الگویی را ارائه می‌دهد که بر پایه آن می‌توان به صورت تدریجی و منطقی دست به تغییر و اصلاح باورها زد (کارآمد و همکاران، الگوی اصلاح باورها بر محور قرآن کریم، ۱۴۰۲: ۴۴).

مخصوصاً سنین نوجوانی در مدارس برای تربیت بینشی و اعتقادی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. «قدرت تعقل و اندیشه نوجوان، تفاوت‌ها و تغییرات فکری، فطری بودن خداشناسی، اختیار در انتخاب عقیده و تأثیر شرایط بر نوجوان، مهم‌ترین مبانی خاص تربیت اعتقادی نوجوان هستند. براساس این مبانی، اصل به کارگیری قوه تعقل نوجوان، رعایت تفاوت‌های نوجوانان و تفاوت درجات ایمان آنها، اصل پرهیز از تحمیل عقاید و اصل مدیریت شرایط، مهم‌ترین اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان هستند.» (رضوانی قهساره و رضایی اصفهانی، مبانی و اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان در اسلام، ۱۴۰۲: ۲۶۸). در ادامه برخی از روش‌های بینشی برگرفته از قرآن کریم که در حوزه تعلیم و تربیت تزکیه‌محور ارائه می‌شوند.

الف. سیر آفاقی

آموزش‌های رایج براساس نگاه استقلالی به پدیده‌ها استوار است. این نگاه برگرفته از فلسفه مادی‌گرایانه و باعث نشناختن پروردگار و معاد می‌شود. معارف دینی ضمن تأکید بر شناخت ظاهری پدیده‌های کیهانی، نسبت به شناخت جنبه آیتی آن‌ها توجه فراوان دارد. در آیات فراوانی به خلقت پدیده‌ها پرداخته و به عنوان آیات آفاقی و نشانه‌های وجود، قدرت، حکمت و تدبیر خداوند یاد کرده و از اندیشمندان در این آیات و پندپذیران به عنوان صاحبان خرد یاد می‌کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ... لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۱۶۴)؛ «به راستی در خلقت آسمان‌ها و زمین و آمدورفت شب و روز، ... نشانه‌هایی [عظیم از قدرت خدا] است برای گروهی که تعقل می‌کنند.»



از مهم‌ترین روش‌های بینشی تربیت تزکیه محور آشنا کردن متریبان با طبیعت به عنوان آیات و نشانه‌های الهی است. این مهم با سفر به مکان‌های مختلف و آشنایی با مناظر طبیعی و فرهنگ‌های متنوع امکان‌پذیر است. سفرهای سیاحتی، علمی، زیارتی و عبادتی تأثیر شایانی در تربیت و آموزش دارد. با ارتباط و همکاری علمی مراکز آموزشی شهرها و کشورهای مختلف فرهنگی همسو و دعوت علمی از مراکز آموزشی، می‌توان وسیله تبادلات علمی و گسترش اطلاعات در جوامع علمی را فراهم کرد. قرآن کریم در آیات متعدد به سیر آفاقی امر فرموده است. لازم به ذکر است سیری از منظر قرآن مورد توجه و تأکید است که با سیر در کرانه‌های زمین و نگاه عمیق در پدیده‌ها و کیفیت آفرینش آن‌ها، انسان را با عالم آخرت آشنا کرده و باعث معرفت به توانای مطلق یعنی خداوند شود. برای تبیین بهتر سیر آفاقی برخی از آیات را که مستقیماً بشر را امر به سیر می‌کند مرور می‌کنیم: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام/۱۱): «بگو: در زمین سیر کنید، سپس بنگرید که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود؟» این آیه ضمن دعوت به گردش بر روی زمین، هدف از این عمل را عبرت‌گیری از سرنوشت تکذیب‌گران آیات الهی می‌داند. با این‌که در آیات مختلف عاقبت شوم تبه‌کاران را ذکر کرده، چرا دیگران را دعوت به سیر در زمین و مواجه حضوری با آثار آنان می‌کند؟ بدون شک مشاهده آثار گذشتگان و اقوامی که بر اثر رویگردانی از حقایق راه نابودی را پیمودند، تأثیرش بسیار بیشتر از مطالعه تاریخ آن‌ها در کتاب‌هاست؛ زیرا آثار آنها حقیقت را محسوس می‌سازد» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۷: ۵/۱۶۳).

در آیه دیگری می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل/۶۹): «بگو: در زمین بگردید و بنگرید که فرجام مجرمان چگونه بود.» خدای تعالی در این آیه، به پیامبرش دستور می‌دهد تا مشرکان و منکران بعثت را انذار کند و دستورشان دهد که در زمین سیر کنند و عاقبت مجرمانی را ببینند که انبیا و قیامت را تکذیب کردند، چون تفکر در عاقبتشان، آن‌طور که خانه‌ها و آبادی‌های ویران دلالت می‌کند برای صاحب بصیرتی که بخواهد عبرت بگیرد کافی است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۱۶/۱۱۷).

در آیه دیگر برای درک صحیح معاد، دعوت به گردش روی زمین می‌کند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت/۲۰): «بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است، سپس [باز] خداست که نشئه آخرت را پدید می‌آورد؛ خداست که بر هر چیزی تواناست.» این آیه به رسول خدا ﷺ دستور می‌دهد که مشرکان را دعوت به سیر در زمین کند تا کیفیت آغاز خلقت‌شان را بفهمند و بدانند خداوند چگونه آن‌ها را بدون نقشه قبلی آفریده، این دلیل قاطعی است بر قدرت نامحدود او، پس صاحب قدرت مطلق، همانند خلق نشئه اول می‌تواند نشئه آخرت را ایجاد کند.

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ﴾ (روم/۴۲). در این آیه رسول خدا ﷺ را امر می‌کند به مردم دستور دهد در زمین سیر کنند و آثار اقوام گذشته را ببینند که چگونه خانه‌هایشان خراب شده، نسلشان که بیشترشان مشرک بودند، خداوند جزای بعض اعمالشان را چشاند تا شاید عبرت‌گیرندگان عبرت گیرند و در نتیجه به‌سوی توحید برگردند (همان: ۱۹۷). فراوانی آیات و ایجاد انگیزه برای گردش روی زمین، برای آشنایی متربیان با آثار گذشتگان، نعمت‌ها و امکانات خدادادی آن‌ها است تا از تاریخ و سرنوشت آنها عبرت گیرند و آن را چراغ راه زندگی خود قرار دهند. امروزه در مدارس درس جغرافیا و تاریخ آموزش داده می‌شود؛ اما بی‌توجه به فلسفه و درس‌های عبرت‌آموز آن‌ها. نگاه معرفتی برگرفته از قرآن کریم باعث می‌شود که افزون بر آشنایی با ظاهر مکان‌ها و آثار باستانی، با روح و فلسفه آن‌ها نیز آشنا شده و ضمن شناخت آثار پیشینیان به‌درستی از آن‌ها عبرت آموزیم؛ بنابراین شناختی مقدمه تزکیه می‌شود که با نگاه آیتی به هستی سه شاخصه اصلی داشته باشد؛ آشنایی انسان با رب‌العالمین برای عمل به مسئولیت بندگی، عبرت‌آموزی و گذر از ظاهر به باطن به‌عنوان چراغ راه و آینده‌نگری با اندیشه در هدف خلقت و معاد و برگرفتن توشه برای زندگی اخروی.

ب. سیر انفسی (راه رسیدن به معرفت شهودی)

با توجه به اهمیت سیر انفسی در قرآن کریم و جایگاه مهم آن در تربیت تزکیه‌محور لازم است به چند نکته مهم اشاره شود:

۱. اهمیت معرفت نفس

روایات فراوانی، معرفت نفس را سودمندترین معارف معرفی می‌کنند که باعث معرفت پروردگار می‌شود. برخی روایات شناخت تمام معارف را وابسته به معرفت نفس می‌داند (آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ۱۳۶۶: ۲۳۲). علامه طباطبایی در تبیین معرفت نفس چنین می‌نویسد: «چون شناخت پروردگار از طریق نفس، نزدیک‌ترین راه است و کامل‌ترین نتیجه را دارد، لذا کتاب و سنت هر دو با تأکید بیشتر به این هدف دعوت کرده و با هر زبانی به آن فرامی‌خوانند. خدای سبحان می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (حشر/۱۹)؛ «و مانند کسانی نباشید که خدا را از یاد بردند و او [نیز] آنان را از یاد خودشان برد. اینان اند که خود نافرمان اند.» این آیه همچون عکس نقیض است برای سخن رسول خدا ﷺ که حدیثی مشهور بین فریقین است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و برای آیه: «...عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» (مانده/۱۰۵)؛ اینکه معرفت



نفس، برترین راه‌ها و نزدیک‌ترین راه به کمال است، چیزی است که هیچ تردیدی در آن نمی‌توان کرد و تنها سخن در مورد کیفیت سیر و پیمودن مسیر این راه باقی می‌ماند.» (طباطبایی، مجموعهٔ رسایل، ۱۳۸۷: ۷۲/۲-۶۸). آمدی در کتاب غررالحکم و درر الکلم از کلمات قصار حضرت علی (علیه السلام) حدود ۲۲ حدیث در معرفت نفس روایت کرده است. در این احادیث شناخت نفس، سودمندترین شناخت‌ها، برترین حکمت، برترین پیروزی شمرده شده و رسیدن به مقام عرفان حقیقی و آزادشدن از غیر خدا و باعث رستگاری معرفی شده است که بدون این شناخت انسان به هیچ حقیقتی نائل نمی‌شود. در روایات، معرفت نفس، نهایت معرفت و علم، بافضیلت‌ترین حکمت شمرده شده که هرکس به آن برسد به فوز اکبر رسیده است (همان). آیا با وجود فراوانی آیات کریمه و روایات شریفه کافی نیست که نظام آموزشی در روش تعلیم و تربیت معاصر تجدیدنظر کند؟ با توجه به روایات و قرآن کریم، مبنای شناخت معرفت نفس، شناخت ظرفیت و استعداد های انسان و اهداف خلقت است. اگر انسان ظرفیت خلیفه اللهی را درک کند و برای فعلیت بخشیدن این استعداد های سرشار خداوندی سعی کند نیاز به وحی برای او روشن می‌شود، آنگاه لزوم تلاش برای انتخاب و رسیدن به دین کامل برایش واضح می‌شود. در این صورت است که با دل و جان و تمام وجود به خدا و رسول و کتاب آسمانی احساس نیاز می‌کند.

۲. مراد از سیر انفسی

منظور از معرفت نفس، تفکر پیرامون خود واقعی انسان و شناخت استعدادهای عظیم خدادادی درونی است. ترغیب به معرفت نفس و آثار تربیتی آن در آیات متعددی از قرآن کریم مطرح شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده/۱۰۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مراقب خودتان باشید. هرگاه شما هدایت یافته باشید، کسانی که گمراه شده‌اند به شما زیانی نمی‌رسانند. بازگشت همه شما فقط به سوی خداست، پس شما را از آنچه می‌کردید باخبر خواهد ساخت». نفس دارای حقیقتی تکوینی است که مانند سایر تکوینات ثابت‌اند و علم و جهل افراد در وجود نفس دخالت ندارد، ولی معرفت انسان تأثیر بارزی در عمل او دارد و عمل مؤثرترین مربی نفس است که نفس را هم‌سنگ خود بار می‌آورد و اگر با هدف خلقت هماهنگ باشد به سعادت می‌رسد و نتیجه تمامی سعی‌اش را می‌بیند. خدای سبحان سرانجام آدمی را از جهت سعادت و شقاوت بر احوالی و اعمالی بنا نموده که مبتنی بر تقوا یا فجور است، چنانچه فرموده: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ

دَسَّاهَا (شمس/۱۰). این آیات، نفس را موجودی معتدل دانسته که با فجور آلوده شده و با تقوا تزکیه می شود. نفس همان مخلوقی است که انسان به وسیله آن محروم و یا رستگار می شود، البته چنان نیست که عموم مردم در درک این معنا یکسان باشند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق؛ ۶/۱۶۷). پس اختلاف شناخت و علمی، زمینه اختلاف در عمل و سعادت آن ها می شود و سعادت یا شقاوت انسان ها بستگی به تقوا و تزکیه نفس دارد.

از منظر قرآن کریم کسانی که اهل تذکرند با کسانی که غفلت دارند، یکسان نیستند: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَ الْأَلْبَابِ...﴾ (زمر/۹). علت اختلاف درک برای این است که متذکر به حقیقت معرفت نفس، نفس خود را از غیر خدا منقطع می یابد و در برابر خود حجاب هایی می بیند که کسی جز پروردگار به آن حجاب ها احاطه ندارد و تنها او قادر بر رفع حجاب ها و هدایت اوست و می یابد که برای نفس مؤنس حقیقی جز پروردگارش نیست و معنای این آیه را به خوبی درک می کند: ﴿أَوَمَنْ كَانَ مِيتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾ (انعام/۱۲۲). در این صورت است که ادراک نفس عوض شده و نفس از شرک به عبودیت و مقام توحید هجرت می کند و با توفیقات الهی، اعتقاد به موهومات و دوری از خدا و تکبر شیطانی و استغنائی خیالی را به درک حقایق و تواضع رحمانی و فقر و عبودیت تبدیل می کند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق؛ ۶/۱۶۷ و ۱۶۸).

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (حشر/۱۹). تعلیق نسیان نفس بر نسیان خدا، اشاره به تعلیق به یاد خدا بودن بر تذکر نفس و وابستگی معرفت رب به معرفت نفس است. اگر انسان به ظرفیت وجودی و استعداد ذاتی خویش پی ببرد، هرگز عمر گرانمایه را صرف امور بی ارزش و گذرا نخواهد کرد و کمال خود را محدود به دنیای فانی نمی کند. به جرئت می توان گفت که هیچ مکتبی به اندازه مکتب اسلام به استعدادهای بی نظیر انسان نپرداخته است تا جایی که قرآن کریم انسان را خلیفه خدا روی زمین و معلّم ملائکه و دارای ظرفیتی می داند که فراتر از آسمان ها و کوه ها و اکثر مخلوقات خدا است (بقره/۳۱-۳۴) و (احزاب: ۷۲). امام علی (علیه السلام) در شعری که منسوب به ایشان است می فرماید:

دواؤک فیک و ما تشعر

و دواؤک منک و ما تبصر

و تزعم أنك جرم صغیر

و فیک انطوی العالم الأكبر

درمانت در درون خویشتن توست، ولی احساس نمی کنی و درد تو از خود توست؛ اما درک نمی کنی. آیا گمان می کنی که تو جرم کوچکی هستی؟! درحالی که عالم بزرگ تر در درون تو به



ودیعت نهاده شده است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۳/۲۷۲). مکاتب تربیتی غیرالهی، برنامه‌های تعلیم و تربیت خود را در حد تربیت شهروند منظم و قانون‌مدار تدوین می‌کنند؛ اما دین اسلام برنامه تربیتی خود را براساس اصلاح دنیا و اصلاح آینده نامحدود و آخرتی جاویدان پی‌ریزی می‌کند. تا زمانی آدمی به سه مرحله اصلی حیات یعنی گذشته، حال، حیات دنیوی و اخروی پی نبرد، شناخت انسان مؤثر نخواهد بود. شناخت این سه مرحله و بینش نسبت به استعداد و ظرفیت انسان و وظایف او در زمان حال و آینده، از بهترین روش‌های رسیدن به تعلیم و تربیت تزکیه‌محور است. «وَمَا أَوْتِیْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (قصص/۶۰)؛ «و هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است. آیا عقل خود را به کار نمی‌گیرید؟» «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی/۱۷)؛ «و حال آنکه آخرت بهتر و پایدارتر است.»

۳. سیر انفسی و برتری آن بر سیر آفاقی

علم حاصل از سیر انفسی و معرفت نفس، علم حضوری است، درحالی‌که علم حاصل از سیر آفاقی، علم حصولی است و علم حضوری سودمندتر و کارآمدتر و نزدیک‌تر از علم حصولی است. راه رسیدن به معرفت نفس، تفکر و توجه به فقر ذاتی انسان و درک احتیاج مطلق به غنی حمید است. تفکر و سیر در نفس باعث پی‌بردن به فقر ذاتی می‌شود و می‌یابد که نفسش وابسته به وجود، علم، قدرت، اراده و محبت دیگری است و جمیع صفات و افعال نفس همچون قطره‌ای از دریای بیکران کمالات غیرمتناهی است. دلیل برتری علم حضوری بر علم حصولی این است که کارهای نفس جز در خودش انجام نمی‌شود و او جز سیر فطری در مسیر خود سیر دیگری ندارد، گرچه نفس انسان در ظاهر با مردم است، ولی دائماً با پروردگارش در خلوت است و جز او از هر چیزی منقطع می‌شود و جز ذکر او هر ذکری را فراموش می‌کند، در این حال بین او و خدایش چیزی حجاب نمی‌شود. این حق معرفتی که برای آدمیان ممکن دانسته شده و سزاوار است نام آن را «خدا را به خدا شناختن» نهاد، چون خداوند محیط به باطن و ظاهر نفس است؛ اما معرفت فکری که از آثار سیر آفاقی است و از ترتیب دادن قیاس و مقدمات دیگری به دست می‌آید در حقیقت معرفت به صورت‌های منقش در ذهن است و خداوند بزرگ‌تر از آن است که در ذهن بگنجد و ذهن بر او احاطه یابد «وَلَا يَحِيطُونَ بِهِ عِلْماً» (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۶/۱۷۰). از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «کسی که خیال می‌کند خدا را شناخته، ولی خدا را به حجاب، یا به صورت و یا به هیكلی شناخته، مشرک است و

در حقیقت خدا را نشناخته؛ زیرا حجاب، صورت و مجسمه غیر خداوند متعال اند و خدای تعالی هم واحد است و هم موحد، کسی که می خواهد به وسیله غیر خدا به توحید برسد، چگونه به توحید راه یافته است؟ کسی به توحید می رسد که او را به وسیله خود شناخته باشد؛ اما کسی که او را به غیر او شناخته باشد، در حقیقت او را نشناخته و چیز دیگری را شناخته است.» (صدوق، التوحید، ۱۳۹۸ق: ۱۴۲ و ۱۴۳). احادیثی که از ائمه اهل بیت علیهم السلام وارد شده است، در این زمینه مطرح شده بسیار زیاد است؛ بنابراین سیر در آیات انفسی، نفیس تر و پرارزش تر از سیر آفاقی است، بلکه تنها سیر انفسی است که نتیجه اش معرفت حقیقی و حقیقت معرفت است (همان). بعد از طرح مباحث قرآنی، روایی و تربیتی جا دارد که این پرسش را مطرح کنیم که روش معرفت نفس که به تعبیر روایات سودمندترین معارف است چه جایگاهی در نظام آموزشی و تربیتی معاصر دارد؟ آیا رها کردن مسیر نافع، میان بر و نتیجه بخش و در اولویت قرار دادن مسیر پرپیچ، کم بازده و طولانی در نظام تربیت، حکیمانه است؟

۴. بایسته های سیر انفسی

در سیر معرفت انفسی ضروری است که آدمی نسبت به امور ذیل، توجه ویژه داشته باشد:

- ماهیت و حقیقت انسان یعنی مرکب بودن جسم و روح؛
- توجه به اصالت روح و الهی بودن روح؛
- درک ظرفیت وجودی انسان، یعنی امکان رسیدن به مقام خلیفه اللهی و مقام محمود؛
- درک هدف خلقت و مسئولیت تعلیم و تربیت، یعنی عبودیت؛
- پرورش روح تسلیم، ایمان، عمل صالح، عبودیت، تقوا، تزکیه، یقین، برای رسیدن به رستگاری.

برای رسیدن به تزکیه راه های مختلفی از جمله راه محبت، راه انجام واجبات و ترک محرّمات و راه معرفت نفس وجود دارد. هریک از این راه ها برای خود مراحل و شیوه هایی دارد که با توجه به ویژگی ها و نقش معرفت و شناخت نفس در تزکیه و رسیدن به سعادت می توان به آن به عنوان راه میان بر و کلیدی نگاه کرد. از این رو عارفان معاصر با توجه به آیات و روایات، راه معرفت نفس را بسیار مهم دانسته اند.

ج. حکمت افزایی و دریافت علوم الهی

از جمله مهم ترین روش های بینشی در نظام تزکیه محور حکمت افزایی و رسیدن به حقیقت حکمت است.

۱. معنای حکمت

راغب معنای اصلی (حکم) را منع کردن برای اصلاح می داند. «حِکْمَة» یعنی رسیدن به حقّ با علم و عقل، پس حکمت از خدای تعالی ایجاد آن ها از سوی اوست بر نهایت استواری و حکمت از انسان



شناختن موجودات و انجام نیکی‌ها و خیرات است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۲۵ق: ۲۴۹). وی در این بیان، حکمت علمی و عملی را تعریف کرده است. قرآن کریم یکی از وظایف اصلی و مهم رسول را تعلیم حکمت ذکر می‌کند و برای آن در تعلیم و تربیت الهی تأثیر فراوانی قائل است. در هر چهار آیه که به تعلیم کتاب اشاره کرده، تعلیم حکمت را نیز مطرح می‌کند، پس حکمت از سنخ عام و متعلق تعلیم پیامبر ﷺ است و فلسفه بعثت، تعلیم کتاب، حکمت و تزکیه است. در این مبحث به حکمت و رابطه آن با تزکیه پرداخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در قرآن کریم به‌صورت اساسی بحث شده و بر اهمیتش تأکید شده است و جزو وظایف رسول خدا ﷺ شمرده شده است، تعلیم حکمت است. امروزه حکمت‌آموزی را می‌توان حلقه مفقوده بسیاری از نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای اسلامی دانست که مورد غفلت واقع شده است. درحالی‌که تعلیم کتاب و حکمت از شئون رسالت به شمار آمده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فَيْكُم رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۵۱).

مجموع مقررات و قوانین دین را «کتاب» و سخنان مبرهن و مستحکم را که اسراری دربردارد، اعم از وحی قرآنی و الهام نبوی «حکمت» گویند. سراسر قرآن حکمت است. در قرآن از براهین توحیدی (حکمت نظری) و نیز پندهای اخلاقی (حکمت عملی) به «حکمت» تعبیر شده است (اسراء/۲۲-۲۳ و ۳۹). این نکته در مواضع حضرت لقمان که خداوند به او حکمت عطا کرد، نیز مشهود است (لقمان/۱۲). هم دانش نظری که از بود و نبود نظام هستی بحث می‌کند و هم دانش عملی که از باید و نباید نظام اخلاقی، فقهی و حقوقی بحث می‌کند، حکمت است و هر دو بخش آن در قرآن حکیم و سنت معصومان ﷺ به‌طور وضوح مشهود است (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۵: ۷/۵۰۳-۵۰۵).
 تفصیل بین حکمت نظری و عملی که از سنخ علم حصولی است و تعلیم آن در محیط آموزشی باید نهادینه شود و حکمت ایتابی که از سنخ علم حضوری است و تا رسیدن به آن باید مراحل و قله‌های بلند را طی کرد و از مسیر پرفراز تزکیه گذشت نیازمند غور و ژرف‌اندیشی فراوان در آیات و روایات و نظام‌بخشی برای تدوین کتب درسی در این مسیر است.

۲. معرفت و فهم عمیق دین

امام صادق علیه السلام حکمت را معرفت و فهم عمیق در دین دانسته و فقیه دین‌شناس را حکیم می‌داند (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱/۱۵۱).

در حدیث معراج خداوند متعال می‌فرماید: «قَالَ يَا رَبِّ مَا أَوَّلُ الْعِبَادَةِ قَالَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ الصَّمْتُ وَالصَّوْمُ قَالَ يَا رَبِّ وَ مَا مِيزَاتُ الصَّوْمِ قَالَ الصَّوْمُ يورثُ الْحِكْمَةَ وَ الْحِكْمَةُ تُورثُ الْمَعْرِفَةَ وَ الْمَعْرِفَةُ تُورثُ الْيَقِينَ...» (الدیلمی، ارشادالقلوب، ۱۴۱۲ق: ۱/۲۰۳)؛ «اولین عبادت، سکوت و روزه‌داری است و میراث روزه‌داری رسیدن به حکمت، معرفت و یقین است.»

امام کاظم (علیه السلام) به هشام می فرماید: «ای هشام، به درستی که هر چیزی را نشانه ای است و نشانه عقل، اندیشیدن و نشانه اندیشیدن، خاموشی است... همین جهالت تو را بس است که آنچه را که تو را از آن نهی کرده اند، مرتکب شوی... پس آن که معرفتش به آنچه پیغمبران آورده اند نیکوتر باشد، استجابت او نیکوتر خواهد بود و آن که عقلش نیکوتر است، به فرموده خدا دانایتر باشد و آن که عقلش تمام تر، درجات او در دنیا و آخرت، بلندتر است. ای هشام، به درستی که خدا را بر مردمان دو حجت است: یکی حجتی است آشکار و دیگری حجتی است نهان؛ اما حجت آشکار، رسولان و پیغمبران و امامان اند؛ و اما حجت نهان، عقل است.» ای هشام، به درستی که خدای تعالی در کتاب خویش می فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان/۱۲)؛ «فقطاً به لقمان حکمت بخشیدیم.» یعنی فهم و عقل را به او دادیم. ای هشام، به درستی که عقل با علم و دانش است و خدای تعالی فرموده است که: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت/۴۳)؛ «و این داستان ها که گذشت، بیان می کنیم آن ها را برای مردمان و در نمی یابند آن ها را مگر علما و دانایان.» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۹: ۱۶/۱). در این حدیث شریف، حکمت را توأم با علم، عقل، عمل و معرفت معرفی می کند و انسان غیرعامل را جاهل معرفی می کند و این نکات راهگشایترین معارف برای نظام تعلیم و تربیت است؛ یعنی لازم است محتوا و سبک آموزش به سوی نهادینه کردن و ارتقای علمی، با حکمت عملی و معرفت افزایی در علم حصولی و حضوری در راستای عبودیت و ترکیه حرکت کند.

در روایتی امام باقر (علیه السلام) «در ذیل آیه» «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فرمود: منظور از «حکمت» معرفت است. (عیاشی، تفسیرعیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱/۱۵۱). در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: منظور از حکمت، معرفت و بصیرت و آگاهی در دین است و در روایت دیگری فرمود است: «حکمت» اطاعت خدا و شناختن امام است (همان: ۱۸۵). در این معنا روایاتی دیگر نیز هست، ولی همه این ها از باب شمردن افراد یک معنای جامع و کلی است و مراد این است که اطاعت خدا یکی از معانی حکمت است و شناخت امام هم معنای دیگری از آن است، نه اینکه حکمت در آیه مختص به همین دو معنا باشد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۲/۴۰۴).

در کافی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: خدای تعالی هیچ نعمتی را گرانمایه تر از عقل بین بندگان تقسیم نکرده است، به همین جهت خواب عاقل از شب زنده داری بی عقل، و خانه نشینی عاقل از جنگیدن جاهل بهتر است و خدای تعالی هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، مگر بعد از آنکه عقل او را به کمال رسانید و عقل هر پیامبری بیشتر از عقل همه افراد امت اوست و آنچه یک پیامبر از کمالات معنوی در خود دارد، گران قدرتر از همه تلاش هایی است که سایر مردم در راه به دست آوردن کمال



انجام می‌دهند و... اگر ثواب و فضیلت و ارزش عبادت همه عابدان را یکجا حساب کنیم، به ارزش عبادت عاقل نمی‌رسد و عقلا همان صاحبان عقل‌ها هستند که خدای تعالی درباره‌شان فرمود: ﴿وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أَهْلُ الْأَلْبَابِ﴾ (بقره/۲۶۹)؛ «پند نمی‌گیرند مگر خردمندان.» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۹: ۱/۱۲؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۲/۳۹۵). در تفاسیر برای تعلیم حکمت سه مصداق بیان شده است؛ منظور از «حکمت» سخنان و تعلیمات پیامبر ﷺ است که آن را «سُنَّت» می‌نامند، حکمت اشاره به «اسرار، فلسفه و نتایج» دستورات الهی دارد، اشاره به حالتی است که از آموزش‌های کتاب در انسان به وجود می‌آید (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۷: ۱/۵۱۱-۵۱۲؛ رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۲/۴۳).

البته با توجه به آیه: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/۱۲۵)؛ حکمت به معنای رسیدن به حق به وسیله علم و عقل است، حکمت، حجتی است که حق را نتیجه دهد، بدون هیچ شک و ابهامی، یعنی برهان و دلایلی است که عقل در برابر آن تسلیم می‌شود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۲/۳۷۱). مانعی ندارد که واژه حکمت اشاره به همه این‌ها باشد. در روایات معصومین ﷺ حکمت به معرفت، شناخت و فهم دین، فهم و عقل، فرمان‌بری از خدا و شناخت امام، آخرت‌گرایی و دوری از گناهان کبیره که خداوند برای آن‌ها کیفر آتش را قرار داده و غلبه بر شهوات تفسیر شده است (محمدری‌شهری، میزان الحکمه، ۱۳۹۵: ۳/ح ۱۲۶۴). همچنین دوری از فریبکاری، ترس از خدا و اطاعت از او، مدارا کردن با مردم، لزوم صدق و ملازم بودن با حق و اطاعت از حق به‌عنوان رأس حکمت یاد شده و از قراردادن حکمت در اختیار نادانان و ناهلان برحذر داشته‌اند (همان: ح ۱۲۶۸). حکمت گوهر گران‌مایه‌ای است که خداوند یکی از مهم‌ترین اهداف فرستادن پیامبران را تعلیم حکمت ذکر می‌کند؛ زیرا حکمت باعث دور شدن انسان از کارهای لغو، عبث، لهو و سرگرمی‌های دنیا و اعتباریات و مشغول شدن به امور واقعی، ارزشمند و پایدار می‌شود. پیامبر ﷺ همان‌گونه که معلّم کتاب است معلّم حکمت نیز است. به نظر می‌رسد علم باید و نبایدها، حکمت نظری است. مثلاً ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه/۱۴)؛ اینکه نماز باید برای یاد خدا به پا داشته شود، گرچه باید و نبایدها است؛ اما حکمت نظری است؛ اما در صورت اقامه نماز و دوری از فحشا و منکر و رسیدن به درجات تقوا، شخص متقی به فوز حکمت عملی که از سنخ علوم موهبتی است نائل می‌شود و پس از عمل به حکمت نظری و حصول به ملکه تقوا، تربی به قله بلند حکمت عملی و دریافت شهودی که از سنخ علم حضوری است، راه می‌یابد. در قرآن از این مرحله به تقوا و تزکیه یاد می‌شود و میوه تقوا و تزکیه دریافت علوم حضوری و معارف شهودی است.

در سوره انفال اشاره لطیفی به این معنا شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُزُوقًا...» (انفال/۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما وسیله تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد...». این آیه به قرینه سیاق و تفریعش بر تقوا، شامل جدایی میان حق و باطل در اعتقادات (ایمان و هدایت از کفر و ضلالت) و در عمل (اطاعت از معصیت) و در رأی و نظر (فکر صحیح از فکر باطل) است که همه این‌ها نتیجه و میوه درخت تقواست، پس اطلاق «فرقان» شامل همه گونه‌های خیر و شر می‌شود، چون همه احتیاج به فرقان دارند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۵۶/۹).

۳. اخلاص و تزکیه، راه رسیدن به حکمت ایتایی

قرآن کریم در سه آیه از چهار آیه‌ای که درباره تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بحث کرده تزکیه رسول را مقدم بر تعلیم کتاب و حکمت ذکر می‌کند. فقط در یک آیه که درخواست حضرت ابراهیم از خداوند است تعلیم کتاب و حکمت را بر تزکیه مقدم داشته است. مفسران علت تقدم تزکیه را به جهت اهمیت آن دانسته‌اند، درحالی‌که برای رسیدن به آن جایگاه باید مسیر آموزش علم و حکمت را پیمود. از این آیات می‌توان چنین برداشت کرد که تعلیم حقیقی و رسیدن به باطن آیات و معارف آسمانی، بدون تزکیه ممکن نیست. این همان حقیقتی است که قرآن کریم به آن تصریح فرموده است: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعہ/۷۹)؛ «و جز پاکیزگان هیچ‌کس به علم آن دسترسی نخواهد داشت». رسول خدا ﷺ راه رسیدن به سرچشمه حکمت را داشتن اخلاص برای خداوند به مدت چهل روز می‌داند: «هرکس چهل روز برای خدا خود را خالص کند، خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش به زبانش جاری خواهد کرد (ابن‌فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ۱۴۰۷ ق: ۲۳۲). این حدیث شریف به حکمت ایتایی اشاره دارد. یقیناً این حکمت فراتر از علوم ظاهری است و شامل علوم و معارف و فیوضات ربّانی، انوار و تجلیات الهی نیز می‌گردد. با توجه به احادیثی که ذکر شد، استفاده و به‌کارگیری عقل، فهم دین، تواضع و دوری از تکبر، دوری از هواپرستی، تزکیه و اخلاص برای خداوند را می‌توان به‌عنوان راه‌های دستیابی به حکمت ایتایی ذکر کرد. حکمت، معارف، احکام و حقایقی است که توأم با یقین باشد که در اثر نورانیت و طهارت قلب حاصل می‌شود، پس ناچار باید به شهود باطنی صورت گیرد. باید قلب، آلوده و مختل و ضعیف نبوده و هرگونه حجاب‌ها از مقابلش برداشته شود، در نتیجه لازم است قلب از صفات رذیله و افکار فاسد و علائق مادی مهذب و منقطع گردد، آنگاه دل مانند آینه صاف دیدنی‌های روحانی را درک می‌کند. وقتی قلب از همه علائق مادی، بلکه از غیرخداوند و حتی از



دیدن خود منصرف گشت، آنچه با نور باطن می‌بیند، فقط نور محیط حضرت حق است. اینجاست که حکمت که نوعی حکم قطعی مربوط به احکام تکوینی الهی است، به او افزوده می‌شود. این حقیقت به اندازه‌ای عالی و از افکار مردم عادی بلند است که دیگران نتوانند به حدود و خصوصیات آن آگاهی یابند (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۵: ۷/۵۰۳-۵۰۵).

در آیه دیگر می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فَيْكُم رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۵۱)؛ «همان‌گونه که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را بر شما تلاوت می‌کند و شما را آلودگی‌ها پاک می‌سازد و کتاب آسمانی و حکمت را به شما می‌آموزد و آنچه را که نمی‌توانستید بیاموزید به شما تعلیم می‌دهد.» این آیه برنامه‌ها و اهداف رسالت را در پنج بخش معرفی می‌کند: آیات خدا را بر مردم می‌خواند و از آن‌ها پیروی می‌کند تا الگوی شما باشد؛ شما را تزکیه می‌کند و پرورش می‌دهد و پاک می‌سازد؛ قرآن را به شما می‌آموزد؛ حکمت را به شما تعلیم می‌دهد و اسرار و نتایج احکام را در سنت خود برای شما بیان می‌کند؛ آنچه را نمی‌دانستید به شما می‌آموزد و علوم جدیدی را برای بشر به ارمغان می‌آورد (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱/۴۰۵).

نتیجه

- روش‌هایی که در نظام تربیتی معاصر رایج است عمده روش‌هایی است که بُعد شناختی یادگیرندگان را تقویت می‌کند و در بیشتر موارد توجه به تقویت ساحت معنوی و روحی یادگیرندگان مورد غفلت قرار گرفته است. هدف برنامه‌ریزی در نظام آموزش رسمی در همه ابعاد بر رسیدن یک مجموعه آموزشی به رتبه‌های بالای علمی است، درحالی‌که در دیدگاه تزکیه‌محوری روش‌های مربوط به ایمان، عمل به آموزه‌های دینی، عمل صالح، تقوا، تزکیه، تعلیم حکمت و عبودیت مورد اهتمام است و به متریان کمک می‌کند تا علاوه بر آموزش و بهره‌مندی از روش‌های آن، به امر تربیت نفس بیشتر توجه شود.

- هدف در نظام تزکیه‌محور، اعتلای متربی از مرحله علم به ایمان و عمل صالح است. همچنین بهره‌مندی از علوم شهودی، تبیین اصول دین (توحیدمحوری، معادباوری؛ ولایت‌مداری)، کاربردی و عملیاتی کردن علوم در راستای حیات طیبه با نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی - اجتماعی و توجه به مقام والای انسانیت در راستای عبودیت الهی است. ازاین‌رو برنامه‌ریزی تربیتی ماهیتی متفاوت به خود خواهد گرفت.

- در قرآن کریم علاوه بر سیر آفاقی، بر سیر انفسی و دریافت علوم شهودی نیز تأکید شده که در نظام‌های تربیتی دیگر مطرح نشده است.
- در نظام تربیتی تزکیه‌محور ضمن احترام به دانش‌های بشری و نظریه‌های علمی، اهمیت به خودشناسی، خداشناسی، راه‌شناسی در مسیر تقرب الی الله ارزیابی می‌شود؛ بنابراین برخلاف آنچه در آموزش رسمی رایج است که به علوم معرفتی و الهی به‌عنوان مطالبی جنبی نگاه می‌شود، در تعلیم و تربیت تزکیه‌محور، اصالت به این سنخ از دانش‌ها داده می‌شود و محتوای آموزش نیز متناسب با آن تدوین می‌شود.
- در این نظام با پرورش افراد متعهد و مزگی در تراز قرآن و تغییر ملاک‌های ارزشیابی، زمینه به‌کارگیری افراد صالح و متعهد فراهم می‌گردد و از این مسیر برنامه‌ها، قوانین و نظام‌های اجتماعی، اصلاح‌شده و در نتیجه امید به دستیابی به جامعه‌ای سالم فراهم می‌شود.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، قم: المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، التوحید، مصحح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، مترجم اتابکی، پرویز، تهران: نشر و پژوهش فروزان‌روز، ۱۳۷۶.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن فهد حلّی، عده الداعی و نجاح الساعی، مترجم: احمد موحّدی قمی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۴.
۷. برقی، احمد، المحاسن، مصحح: جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۸. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، تصحیح، مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۹. جوادی‌آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۵.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، (زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی)، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۲۵ق.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۵. رضوانی قهساره، یزدان؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی، مبانی و اصول خاص تربیت اعتقادی نوجوان در اسلام، دوفصلنامه قرآن و علم، ش ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوال فی وجوه التأویل، مصحح: حسین احمد مصطفی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.

۱۸. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، مجموعه رسایل، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۱. عیاشی، محمدبن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تحقیق: رسولی، هاشم، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۲۴. کارآمد، حسین و همکاران، الگوی اصلاح باورها بر محور قرآن کریم، دوفصلنامه علمی قرآن و علم، ش ۳۲، ۱۴۰۲.
۲۵. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۷. محمدی ری‌شهری؛ میزان الحکمه، قم: موسسه دارالحديث، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۵.
۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی و همکاران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن‌أبی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۷.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست‌وششم، ۱۳۷۳.
۳۲. موسوی، سیدمحمدعلی، دلالت‌های نظام تعلیم و تربیت تزکیه‌محور (رساله دکتری) قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۸.



References

1. *Quran Karim (The Noble Quran)*, Tarjome: Mohammad Ali Rezaei Esfahani va Jami'i az Asatid Jami'at al-Mustafa (Translation: Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa Univeristy), Qom: al-Mustafa, 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Ayyashi, Mohammad bin Mas'ud, *Al-Tafsir (Tafsir al-Ayyashi) (The Commentary of Ayyashi)*, Edited by Hashem Rasouli, Islamic Scientific Library, Tehran: 1380 AH (2001-2002 CE).
3. Baqeri, Khosrow, *Negahi Dobare be Tarbiyat Islami (A New Look at Islamic Education)*, Madreseh, Tehran: 1384 SH (2005-2006 CE).
4. Baraqi, Ahmad, *Al-Mahasin (The Virtues)*, Edited by Jalal al-Din Mohaddes, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Qom: 1371 AH (1992-1993 CE).
5. Center for Culture and Quranic Sciences, *Encyclopedia of the Holy Quran*, Bustan-e-Kitab, Qom: 3rd edition, 1382 SH (2003-2004 CE).
6. Dehkhoda, Ali Akbar, *Lughatnameh (Dictionary)*, under the supervision of Mohammad Moin and Seyyed Ja'far Shahidi, Tehran University Publications, Tehran: 1373 SH (1994-1995 CE).
7. Deylami, Hasan bin Mohammad, *Irshad al-Qulub (Guidance of the Hearts)*, Sharif al-Radi, Qom: 1412 AH (1991-1992 CE).
8. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ayn*, Hijrat, Qom: 2nd edition, 1409 AH (1988-1989 CE).
9. Hurr Ameli, Mohammad bin Hassan, *Wasail al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Shariah (The Means of the Shia to Achieve the Issues of the Sharia)*, Alul al-Bayt, Qom: 1409 AH (1988-1989 CE).
10. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali (Saduq), *Al-Tawhid (The Oneness)*, Edited by Hashem Hosseini, Society of Seminary Teachers, Qom: 1398 AH (1978-1979 CE).
11. Ibn Fahd Hilli, *'Iddat al-Da'i wa Najh al-Sa'i (The Aids of the Caller and the Success of the Seeker)*, Translated by Ahmad Mohaddesi Qomi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1407 AH (1986-1987 CE).
12. Ibn Faris, Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of the Measures of Language)*, Edited by Haroon, Abdul Salam Mohammad, (6 volumes), Islamic Media Center, Qom: 1404 AH (1984-1985 CE).
13. Ibn Sho'bah Harrani, Hassan, *Tuhaf al-Uqul (Gifts of the Intellects)*, Translated by Atabaki, Parviz, Frozanruz Publishing and Research Center, Tehran: 1376 SH (1997-1998 CE).
14. Jawadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (The Exegesis of Tasnim)*, Esra, Qom: 1385 SH (2006-2007 CE).
15. Karamad, Hossein et al., *Olguye Eslah Bawarha bar Mehwar Quran Karim (The Model of Reforming Beliefs Based on the Quran)*, Biannual Journal of Quran and Science, Issue 32, 1402 SH (2023-2024 CE).

16. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Usul al-Kafi (The Principles Section of Kafi)*, Translated by Seyyed Jawad Mustafa, Islamic Scientific Bookstore, Tehran: 1369 SH (1990-1991 CE).
17. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, Beirut: 2nd edition, 1403 AH (1983-1984 CE).
18. Makarem Shirazi, Naser, *Akhlaq Dar Quran (Ethics in the Quran)*, Imam Ali bin Abi Talib Seminary School, Qom: 1377 SH (1998-1999 CE).
19. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemouneh (The Exemplar Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 26th edition, 1373 SH (1994-1995 CE).
20. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi et al., *Philosophy of Islamic Education and Training*, Imam Khomeini Institute, Qom: 1391 SH (2012-2013 CE).
21. Mohammadi Ray-Shahri, *Mizan al-Hikmah (The Scale of Wisdom)*, Dar al-Hekma Institute, Qom: 15th edition, 14th volume, 1395 SH (2016-2017 CE).
22. Mousavi, Seyyed Mohammad Ali, *Dalalathaye Nizam Ta'lim va Tarbiyat Tazkiya Mehwar (The Implications of the Purification-Centered Education System) (Doctoral Thesis)*, Al-Mustafa International University, Qom: 1398 SH (2019-2020 CE).
23. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir Noor (Light Exegesis)*, Cultural Center of Lessons from the Quran, Tehran: 1383 SH (2004-2005 CE).
24. Raghib Isfahani, *Mufradat Alfaz al-Quran (The Singularities of the Words of the Quran)*, Dar al-Shamiyyah, Beirut: 1425 AH (2004-2005 CE).
25. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, *Tafsir Quran Mehr (Mehr Exegesis of the Quran)*, Researches in Tafsir and Quranic Sciences, Qom: 1387 SH (2008-2009 CE).
26. Rezvani Qahsara, Yazdan; Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, *Mabani va Usul Khas Tarbiyat Eteqadi Nawjawan dar Islam (Foundations and Specific Principles of Belief Education for Adolescents in Islam)*, Biannual Journal of Quran and Science, Issue 33, Autumn and Winter 1402 SH (2023-2024 CE).
27. Sadeqi Tehrani, Mohammad, *Al-Furqan fi Tafsir al-Quran bil-Quran wa al-Sunnah (The Criterion in the Interpretation of the Quran by the Quran and the Sunnah)*, Islamic Culture, Qom: 2nd edition, 1406 AH (1985-1986 CE).
28. Sharif Razi, Mohammad bin Hossein, *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Edited by Subhi Saleh, Hijrat, Qom: 1414 AH (1993-1994 CE).
29. Tabatabaei, Mohammad Hossein, *Mujmu'at Rasail (Collection of Treatises)*, Bustan-e-Kitab, Qom: 1387 SH (2008-2009 CE).
30. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Islamic Publishing Office, Qom: 1417 AH (1996-1997 CE).
31. Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Mohammad, *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim (The Precious Sayings and the Jewels of Words)*, Edited by Mustafa Dirayati, Islamic Propagation Office, Qom: 1366 SH (1987-1988 CE).
32. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, *Al-Kashaf an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzeel wa 'Uyoon al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil (The Unveiler of the Truths of the Hidden Aspects of Revelation and the Sources of Opinions on Interpretations)*, Edited by Hossein Ahmad Mustafa, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407 AH (1986-1987 CE).